



شعارهای نوشته شده در تهران

بچه ها وقت کم است! بجنییم!

(مصاحبه تلویزیونی پرتو با بهرام مدرسی)



بهرام مدرسی

محمد فتاحی: در بحبوحه مضحکه انتخابات رژیم اسلامی اعتراضات مهمی در کوی دانشگاههای تهران در جریان است. به عنوان دبیر سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست می خواستم نظراتان را در مورد نکات مهم این اعتراضات بیان کنید.

دانشگاه تهران بود، بر می گردد معین تظاهرات کردند و بیرون به زمانی که کاندیداتوری معین آمدند اما هدف چیز دیگری بود. از طرف بخشی از حکومت رد شد. بعد از ظهر جمعه با اعلام آقا، صاحب صلاحیت شد قبول کاندیداتوری معین از طرف دانشجویان نه تنها پراکنده خامنه ای همین انجمن اسلامی نشدند بلکه اعتراضاتشان ادامه ها و مشارکتی ها که خواستشان پیدا کرد. دامنه و هدف این کاندیداتوری معین بود در صدد به خانه و خوابگاه برگرداندن دانشجویان بودند. یعنی درست همان اتفاقی که سالهای گذشته در رابطه با دوم خرداد رخ داد اعتراضات که از جانب انجمن های اسلامی و دفتر مشارکتی ها در بعضی از دانشگاه ها در سطح کل کشور و به خصوص

بهرام مدرسی: اعلام رسمی این اعتراضات که از جانب انجمن های اسلامی و دفتر مشارکتی ها در بعضی از دانشگاه ها در سطح کل کشور و به خصوص

صندوق های رای را بر سرشان بکوبید!



امید خدابخشی

پای صندوق رای گیری رفتن در جامعه ای که هر اعتراض دانشجویی با حمله وحشیانه حزب الله و نیروی انتظامی مواجه میشود و هزاران زندانی سیاسی دارد و گروههای سیاسی حق فعالیت آزادانه ندارند و انواع و اقسام نهادهای سرکوبگر در همه جا وجود دارد، در جامعه ای که مردمش امنیت مالی و جانی ندارند و جوانش آینده ای روشن پیش روی خود نمی بینند و فرهنگ و سنت و حکومتش مانند گل و زنجیر بر پای مردم است، زنجیر دیگریست که به پای خودمان میبندیم. برایمان مهم نیست که چه کسانی کاندید شده اند و چند نفر تایید صلاحیت شدند و رهبر چی گفت و شورای نگهبان چه کار میکند، برایمان مهم نیست اکبر شاه میخواد چکار کنه و معین چه فیلمی میخواد بازی کنه، با تجربه دوم خرداد مردم گول این حکومت را نمیخورند و اینها مشکل مردم نیست و کسی هم دل خوشی از هیچ جناح و دسته و گروه و شخصیت داخل جمهوری اسلامی بدهیم.

پای صندوق رای گیری رفتن در جامعه ای که هر اعتراض دانشجویی با حمله وحشیانه حزب الله و نیروی انتظامی مواجه میشود و هزاران زندانی سیاسی دارد و گروههای سیاسی حق فعالیت آزادانه ندارند و انواع و اقسام نهادهای سرکوبگر در همه جا وجود دارد، در جامعه ای که مردمش امنیت مالی و جانی ندارند و جوانش آینده ای روشن پیش روی خود نمی بینند و فرهنگ و سنت و حکومتش مانند گل و زنجیر بر پای مردم است، زنجیر دیگریست که به پای خودمان میبندیم. برایمان مهم نیست که چه کسانی کاندید شده اند و چند نفر تایید صلاحیت شدند و رهبر چی گفت و شورای نگهبان چه کار میکند، برایمان مهم نیست اکبر شاه میخواد چکار کنه و معین چه فیلمی میخواد بازی کنه، با تجربه دوم خرداد مردم گول این حکومت را نمیخورند و اینها مشکل مردم نیست و کسی هم دل خوشی از هیچ جناح و دسته و گروه و شخصیت داخل جمهوری اسلامی بدهیم.

"ماخواهان"

۱- اعلام آزادی سیاسی بی قید و شرط برای همه

گروه های سیاسی هستیم!

۲- انحلال همه نهادهای سرکوبگر را خواهانیم!

در غیر اینصورت انتخابات رژیم تحریم اعلام میشود"

مرکز خبری جوانان کمونیست-حکمتیست

۴ خرداد ۸۴ - ۲۵ مه ۲۰۰۵

بوده اند. شعار های دانشجویان از جمله عبارت بودند از: معین بی خاصیت جرئی از اسلام است، ما میگیم خر نمیخوایم - حکم حکومتی میاد، آزادی- مساوات - تحریم انتخابات، شعار هر دانشجویی در این تجمع های خود اعلام کرده اند:

" ۱- اعلام آزادی سیاسی بی قید و شرط برای همه گروه های سیاسی هستیم
۲- انحلال همه نهادهای سرکوبگر را خواهانیم
در غیر اینصورت انتخابات رژیم تحریم اعلام میشود"

این خبر حاکی از گسترش دامنه اعتراضات دانشجویان به شهرهای مهاباد، تبریز، کرمان و مشهد است.

بنا به اخبار رسیده به مرکز خبری سازمان، اعتراضات دانشجویان دانشگاه های تهران که از تجمع اعلام شده از طرف انجمن اسلامی و دفتر مشارکت، در اعتراض به رد صلاحیت معین فراخوان داده شده بود، با تایید کاندیداتوری معین از طرف خامنه ای علیرغم تلاشهای انجمنهای اسلامی و دفتر مشارکت نتنها به پایان نرسیده است، بلکه گسترش بسیار وسیعی یافته است.

بنا بر این خبر، کوی دانشگاه تهران، دانشگاه صنعتی شریف، کوی دختران دانشگاه و دانشگاه علامه صحنه اعتراضات وسیع دانشجویان به مضحکه انتخابات رژیم اسلامی



چپ، رادیکال و آزادیخواه را به نمایش گذاشت. شعارهایی که در ادامه این اعتراضات چه در کوی دانشگاه تهران، چه در کوی دختران دانشگاه تهران و چه در کوی دانشگاه علامه و خود دانشگاه علامه سر داده شد اساسا علیه کل مضحکه انتخاباتی رژیم بود. دامنه اعتراضات وسیع است و من فکر می کنم تا روز انتخابات گسترش بیشتری می یابد. اهمیت اعتراضات اخیر در این بوده است که دو خواسته رادیکال و مهم از طرف دانشجویان اعلام شده است و آنهم اینکه ۱- خواهان آزادی فعالیت سیاسی همه نیروهای سیاسی هستند و ۲- خواهان انحلال تمام دستگاه های سرکوب رژیم شده اند. دانشجویان اعلام کرده اند که در صورت اجرا نشدن این دو خواست، اصلا صحبت از انتخاباتی نمی تواند در میان باشد. در کل، من این اعتراضات را رادیکال می بینم و به ادامه آن خوشبین هستم. تا جایی که به تحریک رژیم بر می گردد از همان روز جمعه کوی دانشگاه تهران تبدیل به یک قلعه و باروی نظامی شد و تعداد وسیعی از نیروهای امنیتی رژیم حضور داشتند. تلاششان جلوگیری از پیوند مردم با دانشجویان و بیرون آمدن اعتراض دانشجویان از فضای دانشگاه بود. در یک مورد مشخص در دانشگاه علامه شکست خوردند و بچه های به بیرون از محل دانشگاه آمدند. درگیری های نسبتا موضعی با نیروهای امنیتی رژیم داشتند و جالب اینکه در چند مورد حمله نیروهای رژیم با برخورد و عکس العمل تند از جانب دانشجویها روبرو شد و رژیمی ها مجبور به عقب نشینی شدند. در یک مورد مشخص خبرنگار روزنامه ایسنا توسط ماموران رژیم دستگیر می شود که با

تعرض دانشجویان از دست عوامل رژیم آزاد می شود. تا پایان تظاهرات ماموران رژیم حتی موفق به بازداشت یک نفر هم نشدند. کل این اعتراضات به نظر من بیان کیفیت و شیوه ای دیگری از مبارزه است که باید به استقبالش رفت.

محمد فتاحی: این اعتراضات مربوط به چهارشنبه شب تا جمعه هفته گذشته بوده است. فکر می کنید چه نکاتی کلیدی است که کمک کند اعتراضات دانشجویان هم گسترش یابد و هم بتواند نقش جدی تری در به شکست کشاندن مضحکه انتخابات رژیم ایفا کند؟

بهرام مدرسی: تا جایی که به موضع ما حکمتیست ها بر می گردد باید این انتخابات را بهم زد. اسم انتخابات گذاشتن روی این مضحکه توهین به شعور مردم است.

منتها تا جایی که به دانشجویان و مردم و اعتراضاتشان به این مضحکه بر می گردد، طبیعی است که امروز کسی نمی تواند در جامعه ایران با شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی" به خیابان بیاید. نمی تواند علنا بگوید "گورتان را گم کنید". بنابراین اعتراضاتی که شکل می گیرد مثل دوره های قبل اینبار به بهانه کاندیداتوری معین شکل گرفت و به جایی کشیده شد که جمهوری اسلامی و ارگانهای دست سازش در دانشگاه ها تصورش را نمی کردند. نقطه قوت این اعتراضات در این بوده است که به بهانه "تحريم" مردم را به خیابان کشاندند و حداقل جامعه را متوجه خواست خودشان کردند.

اینکه در چند مورد حمله نیروهای رژیم با برخورد و عکس العمل تند از جانب دانشجویها روبرو شد و رژیمی ها مجبور به عقب نشینی شدند. در یک مورد مشخص خبرنگار روزنامه ایسنا توسط ماموران رژیم دستگیر می شود که با

خیابان باشند و خواست رادیکال و بر حق خود را مقابل کل سیستم اسلامی و دم و دستگاه انتخابات اعلام کنند. در این صورت نه تنها پیروزی برای رژیم در کار نخواهد بود بلکه طعم یک شکست مفتضحانه را خواهد چشید.

باید آگاه بود که هر نره خری که انتخاب شود، دیروز خاتمی و امروز رفسنجانی و معین و قالیباف. کاری جز عمر خریدن دوباره برای اسلام سیاسی در ایران نمیتوانند بکنند. دردی از جامعه به غلیان آمده از دست اقتصاد، سیاست و فرهنگ اسلامی را کم نمی کنند. به همین خاطر باید فعالانه گفت ما اینها را نمی خواهیم. نقطه قوت این اعتراضات در وسیع بودن، توده گیر شدن و رادیکال بودن خواسته هایش خواهد بود.

محمد فتاحی: شعار "تحريم" اساسا تا جایی که صرفا یک شعار غیر فعال است اما به بهانه آن مردم را به خیابان آوردن تبدیل به سیاست و عملی خواهد شد که شما به درست به آن اشاره کردید. گفتید که باید مضحکه انتخابات رژیم را بر سرشان خراب کرد و به هم زد و به شکست کشاند. خود این پروسه ای که شروع شده عملا نه پروسه تحريم بلکه پروسه به شکست کشاندن تقلابی رژیم و جریاناتی است که شعار "تحريم" و در خانه ماندن مردم را سر داده اند.

بهرام مدرسی: بله موافقم. نکته من همین بود، اگر میبینیم که



مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

توهم یا دلنگرانی از رفتن رژیم اسلامی!

پیرامون سوال کاوه کیانی از "رئیس جمهور"، منتشره در سایت گویا



فرزاد نازاری

کاوه کیانی که به گفته خودشان دو دوره به خاتمی رای داده اند و هرچند، گاهی هم احساس ندامت می کنند، می گویند که این حق را به خودم می دهم که در ازای دو بار رای که به شما (رئیس جمهور) داده ام، سوالی را از شما بپرسم.

و ادامه می دهند: "برای طرح سوال باید زمینه ایجاد آن سوال را مطرح کنم."

زمینه طرح سوال آقای کیانی:

"به فرض محال این که در انتخابات آینده ریاست جمهوری فقط رای دهندگان ثابت شرکت کنند (که خوب می دانید تعداد آنها به سختی ممکن است که به ده میلیون نفر برسند) و یکی از وظایف شما برگزاری انتخابات سالم و جلوگیری از هر گونه تقلب و حفظ و حراست از آرای مردم است. و باید گزارش رای گیری و تعداد آرا به مردم داده شود با فرضیات زیر..."

تا اینجا را داشته باشید و بعد به فرضیات و سوال ایشان می پردازیم.

این فرض محال آقای کیانی و دو بار رای دادنشان به آقای خاتمی و هر از چند گاهی احساس پشیمانی ایشان، سرچشمه اش این است که از موقعیتی که رژیم در آن گرفتار است خشنود نیست. (حال نمی دانم معرفی کردن خود مانند یک ایرانی می خواهد به چه دردی پاسخ دهد). مگر خامنه ای هم ایرانی نیست؟ شاید ایشان مانند شما اسم "اصیل" ایرانی نداشته باشند، ولی خاتمی انگلی که همانند مرجع تقلید به او رجوع می کنید و فرضهای محالتان را جلو رویش میگذارید اسم و کارنامه

او نیست همین دروغ گفتن و ریا و شیربه مالیدن سر مردم را به ایشان آموزش داده است و خاتمی هم پیرو بی شیله پبله همین خدا است. از چه وقت امثال خاتمی صدای حقیقت شده اند،

که ما خبر نداشتیم؟ در خاتمه باید به این آقا گفت که دیگر به مهره های اکسپایر شده و افشا شده حکومت اسلامی دل خوش نکند.

اگر حقیقتا مشکلشان مردم و یک شرایط انسانی برای مردم است، ولی اگر هدفشان ایجاد توهم است و می خواهند از این راه

آبی به آسیاب رژیم بریزند ما جلو این را می گیریم و اجازه نمی دهیم که کسی خاک سرند

شده ای مانند خاتمی را به چشم مردم بپاشند. جمهوری اسلامی در مرحله ای است که حتی با

بازی های شورای نگهبان و رد صلاحیتهایش از عزیزان رژیم و حکم حکومتی و دوباره اجازه به

آنها دادن در کاندید بودن انتخابات، قادر نیست هیچ کارنامه دوره ریاستشان و

انتخابات بسوزاند. برای مردم باور کنید که رد صلاحیت معین و امثال معین و نهضت آزادی و

غیره هم یک نوع شیادی دیگر است. بویی نبرده اند ولی اشباع از

شرافت اسلامی هستند و همین شرافت اسلامی و ضد انسانی آنها باعث شد که به عمر این ماشین جنایت افزوده شود و

مردم و قربانیانش مدت بیشتری سرشان کلاه رود و اینها هنوز مشغول جنایت علیه آنها باشند.

امیدوار بود و این ارگان مقام همان خدایی که این آقا می پرستد و هیچ شکی در خلوص

سوال خواهند کرد که چه خصوصیتی از آقای خاتمی باعث شده است، که هنوز هم بعد از روی آب افتادن پته اش در جهت افزودن بر عمر رژیم، کسانی از این جمله، بند دخیل عدالتشان را

به عبای او بسته اند." و در نهایت سوال مطرح شده از طرف آقای کیانی از پرومته

اسلامییشان:

با در نظر گرفتن مفروضات بالا آیا شما به شرافت تان و به خدایی که می پرستید قسم می خورید که گزارش درست انتخابات را بدهید و هیچیک از مفروضات بالا باعث نمی شود که به هر نحوی و به هر بهانه ای از گفتن حقیقت درباره تعداد آرا ظفره رفته و خدای ناکرده کتمان حقیقت کنید."

باید بگویم که اگر شرافت کسانی مانند خاتمی هنوز در جهت مثبتش برای اشخاصی مانند آقای کیانی مورد رجوع و خوشبینی است، ابراز تاسف است. اشخاصی مانند خاتمی در کارنامه شرافت انسانیشان نه

تنها مردود هستند بلکه مردم، زمانی که کمر اینها را شکستند و از صحنه پاکشان کردند، اینها را بر اساس همین کارنامه قفلور محاکمه خواهند کرد. بر اساس

کارنامه دوره ریاستشان و کلاهبرداری عظیمشان، باعث شده که افرادی مانند شما هنوز به آنها متوهم باشند. امثال خاتمی ها از شرافت انسانی بویی نبرده اند ولی اشباع از

شرافت اسلامی هستند و همین شرافت اسلامی و ضد انسانی آنها باعث شد که به عمر این ماشین جنایت افزوده شود و مردم و قربانیانش مدت بیشتری سرشان کلاه رود و اینها هنوز مشغول جنایت علیه آنها باشند.

همان خدایی که این آقا می پرستد و هیچ شکی در خلوص سوال خواهند کرد که چه خصوصیتی از آقای خاتمی باعث شده است، که هنوز هم بعد از روی آب افتادن پته اش در جهت افزودن بر عمر رژیم، کسانی از این جمله، بند دخیل عدالتشان را

به عبای او بسته اند." و در نهایت سوال مطرح شده از طرف آقای کیانی از پرومته اسلامیشان:

رساند و امکان از هم پاشی نظام را فراهم می سازد."

جمهوری اسلامی هیچ وقت مشروعیتش را از کانال انتخابات نگرفته است، بلکه مشروعیت حکومت هایی مانند اینها همیشه از لوله اسلحه و سرکوب و خفه کردن صدای هر مخالفی آمده است. خاتمی از اوایل هلهله دوم خرداد به این نتیجه رسیده بود که حکومت

محبوبش هیچ مشروعیتی برای مردم نداشته و ندارد و همین بحران نامشروع رژیم بود که دوم خرداد و ۸ سال دروغ و ریا و سربریدن با پنبه، اصلاح طلبی را به میدان آورد و عمر رژیم اسلامی را کش داد.

"۲. حکم حکومتی از طرف رهبر نظام به شما ابلاغ شود که گزارش این رای گیری به ضرر نظام است و باید از انتشار صحیح آن خودداری کنید"

باور کنید که غیر واقعی نشان دادن مشارکت مردم در انتخابات همانقدر مسئله خامنه ای است که مسئله خاتمی هم هست، اینها به قول خودشان بالهای یک نظامند. لذا اگر اینها می خواهند این بال باقی بمانند باید از فروپاشی نظام به هر صورتی جلوگیری کنند. اگر شما هم

امثال آقای خاتمی را هنوز با خامنه ای جدا تصور می کنید، دیگر برای مردم حمل بر توهم نیست بلکه حمل بر تاسف برای از دست دادن نظام است. طبعاً مردم از انسانهایی مانند شما

سوال خواهند کرد که چه خصوصیتی از آقای خاتمی باعث شده است، که هنوز هم بعد از روی آب افتادن پته اش در جهت افزودن بر عمر رژیم، کسانی از این جمله، بند دخیل عدالتشان را

به عبای او بسته اند." و در نهایت سوال مطرح شده از طرف آقای کیانی از پرومته اسلامیشان:

رساند و امکان از هم پاشی نظام را فراهم می سازد."

جمهوری اسلامی هیچ وقت مشروعیتش را از کانال انتخابات نگرفته است، بلکه مشروعیت حکومت هایی مانند اینها همیشه از لوله اسلحه و سرکوب و خفه کردن صدای هر مخالفی آمده است. خاتمی از اوایل هلهله دوم خرداد به این نتیجه رسیده بود که حکومت

محبوبش هیچ مشروعیتی برای مردم نداشته و ندارد و همین بحران نامشروع رژیم بود که دوم خرداد و ۸ سال دروغ و ریا و سربریدن با پنبه، اصلاح طلبی را به میدان آورد و عمر رژیم اسلامی را کش داد.

"۲. حکم حکومتی از طرف رهبر نظام به شما ابلاغ شود که گزارش این رای گیری به ضرر نظام است و باید از انتشار صحیح آن خودداری کنید"

باور کنید که غیر واقعی نشان دادن مشارکت مردم در انتخابات همانقدر مسئله خامنه ای است که مسئله خاتمی هم هست، اینها به قول خودشان بالهای یک نظامند. لذا اگر اینها می خواهند این بال باقی بمانند باید از فروپاشی نظام به هر صورتی جلوگیری کنند. اگر شما هم

امثال آقای خاتمی را هنوز با خامنه ای جدا تصور می کنید، دیگر برای مردم حمل بر توهم نیست بلکه حمل بر تاسف برای از دست دادن نظام است. طبعاً مردم از انسانهایی مانند شما

سوال خواهند کرد که چه خصوصیتی از آقای خاتمی باعث شده است، که هنوز هم بعد از روی آب افتادن پته اش در جهت افزودن بر عمر رژیم، کسانی از این جمله، بند دخیل عدالتشان را

به عبای او بسته اند." و در نهایت سوال مطرح شده از طرف آقای کیانی از پرومته اسلامیشان:



بن بست انتخابات!

بهنام سیگارودی

انتخابات ریاست جمهوری نزدیک است. تمام رسانه ها، مطبوعات و نشریات رژیم، همه و همه یکصدا از مردم تقاضا میکنند که حماسه بسازند! کافیس تلویزیون را روشن کنیم تا با مدلهای مختلف برنامه های جدید در این رابطه آشنا شویم. برنامه هایی که مشخصا برای خر کردن مردم ساخته شده اند. حتی برنامه هایی که با اهداف دیگری ساخته شده بودند امروز صحبت از حماسه ملی، روز جشن و شور انتخابات میکنند. تمام سعی بر این است که بتوانند بیشترین نفرت را به پای صندوق بکشانند و به این واسطه آبروی از دست رفته خود را خریداری کنند. میخواهند جسد مرده این نظام را با یک شوک الکتریکی زنده کنند اما گویی نیروی لازم برای این کار فعلا وجود ندارد. اما از طرفی وضعیت سیاسی ایران و موقعیت جنبش های اجتماعی در ایران در این چند سال تحولات چشمگیری داشته است. تمامی دغل بازان سیاسی مانند دو خردادی ها، اصلاح طلبان و شاخه های وابسته همه، روانه خانه هایشان شده اند و در طول گذر از همین سالها، از دورانی که به نظر دوران اوج اعتراض جنبشهای دانشجویی و مردمی در ایران بود، وارد دوران رکود افزاینده سیاسی اجتماعی شده ایم. می بینیم که طرفداران دو خرداد سابق چه در داخل و چه در خارج که تا چند

سال پیش به واسطه دلایل و تحریکات مختلف به خیابان می آمدند و سعی در به بیراهه کشاندن جنبش سرنگونی داشتند امروز بزرگترین حرکتشان تحریم صرف انتخابات است. تقریبا سه یا چهار سال پیش بود که ۱۶ آذرها و ۱۸ تیرها خیابانها مملو از جمعیت بود و همه در خیابان به تظاهرات می پرداختند. کما این که دانشجویان یا به عبارتی جنبش دانشجویی در این میان نقش پیشوایی را بازی می کرد که بیشترین ضربه را همین ها نثارش کردند. ولی تمام آن حرکتها امروز به نقطه بن بست رسیده است زیرا در واقع پایه طبقاتی محکمی نداشته و سیکل اجتماعی درستی را طی نکرده بودند. در حقیقت اگر بر پایه همان حرکتها و جنبش ها، تحولی صورت میگرفت، نمی توانستیم به تحولی کاملا مثبت دل بندیم. اما در پی شروع زرمه های حمله به عراق و عملی شدن آن و براندازی حکومت صدام توسط آمریکا، دیگر خبری از این حرکتهای دو خردادی سابق در ایران نبوده و نیست. همه آنها پای صحبت آمریکا نشسته اند تا ببینند چه زمانی نوبت ایران است. منتظر نشسته اند تا دموکراسی آمریکایی که از نوع ناب آن است بواسطه بمب های هوایی و نیروهای ارتش زمینی به کمک کشتار مردم، در ایران پیاده شود. همگان به کاخ سفید چشم دوخته اند. شاید حق داشته باشند زیرا تصور می کنند که آنها قربانیان این فاجعه نخواهند بود و هر کدام با یک کوله پشتی به ویلاهایشان میروند. در این میان تنها طبقات پائین جامعه و انسانهای کم درآمد و فقیر هستند که نابود میشوند. این سوهامه سیاسی در ایران نتیجه همین توهمات و تصورات و امیدهایی است که توانسته است جوعمومی جامعه ایران را از حالت التهابی اش بیرون بیاورد. در حقیقت امروز تمامی آن کمپ "دموکرات" هایی که سابقا دو خردادی در داخل و خارج بودند پر شورتر از گذشته چشم به آسمان دوخته اند تا بمب های نجات دهنده از راه برسند. به آقای هخا می اندیشند و چشم انتظار او هستند. مدلهای لباسشان را بعد از کودتای دموکراتیک طراحی می کنند. کافیس است که این کودن ها بدانند آمریکا به عنوان ناجی با بمب های نجات دهنده اش نخواهد آمد و دیگر رمان غنی سازی هسته ای ایران به پایان رسیده است. در آن صورت است که شاید بتوان دل به حرکتی بست، ولی در آن روز نیز بدون شک بهانه ای پیدا خواهد شد. در میان تمام اینها طبقه کارگر و طبقات سرکوب شده جامعه اکنون نسبت به وضعیت خود آگاهی بیشتری بدست آورده اند. مبارزاتشان را شروع کرده و باید بتوانند به آنها وسعت بیشتری ببخشند. مبارزاتی که دیگر هیچ خبر، گزارش، سیا بازی و هیچ نوع جنجال سیاسی نمی تواند در آنها توهمی ایجاد نماید. زیرا که این طبقه خواهان رهایی از این وضعیت فلاکت بار است که هر روزه برای او و نسل آینده اش ادامه خواهد داشت. بنابراین به چیزی جز رهایی از این زنجیر نمی اندیشد. او میدانند که نه آمریکا با بمب های دموکراسی و نه رفراندوم خیالی هیچ گاه به درد او نخواهد خورد که بر دردش نیز می افزاید. بنابراین پا به عرصه مبارزه ای گذاشته است که میخواهد پایش را در آزادی خود که همانا آزادی تمام جامعه است بیابد. نتیجه اینکه این انتخابات مسخره هم به پایان خواهد رسید و احتمالا در ادامه راه این حکومت بسیاری داستانهای دیگر به وجود خواهد آمد که بسیاری از گروهها و احزاب اپوزیسیون به آنها ابراز علاقه خواهند کرد، اما موضع ما حمایت از طبقه ای است که با آزادی خودش آزادی همگان را تضمین می کند.



برنامه های روزانه پرتو

برنامه های پرتو هر روز از ساعت ۸ تا ۹ شب به وقت تهران (۶:۲۰ تا ۷:۲۰) بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی و ۸:۳۰ تا ۹:۳۰ صبح به وقت امریکای غربی) از شبکه کانال یک پخش میشود.

ایران و اروپا:

Telstar 12
Freq: 11494.5 MHz
Polarity: Verical
Sym Rate: 17,4687ms
FEC: 3/4

امریکای شمالی:

Telstar 5
Freq: 12,090 MHz
Polarity: Horizontal
Sym Rate: 20000 ms
FEC: 3/4

برنامه پرتو روی سایت آن نیز قابل مشاهده است:

www.hekmatist.com/parto

گروپ جوانان حکمتیست در یاهو!

<http://groups.yahoo.com/javananekomonist>

تماس با سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست

دبیر سازمان: بهرام مدرسی
bahramsjk@yahoo.com
 تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۴۰۲۰۱
 فاکس: ۰۱۲۱۱۱۰۲۳۳۶۱۳

سر دبیر: فواد عبداللہی
foadsjk@gmail.com
 تلفن: ۰۰۴۷۸۹۰۸۰۹۱۴۲

معاون دبیر: نسیم رهنما
nasimrahnamadk@yahoo.com
 تلفن: ۰۰۴۵۲۲۸۲۴۵۴۲

معاون دبیر: جمال کمانگر
jkamangar@yahoo.com
 تلفن: ۰۰۴۷۸۱۴۷۶۵۶۶۱۹

کنفرانس اول سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست برگزار میشود!

این کنفرانس تجمع عمومی و بزرگ همه جوانانی است که برای سرنگونی رژیم اسلامی و برپایی جهانی آزاد و برابر تلاش میکنند!

این کنفرانس مبلغین، طرفداران و سازماندهندگان شعار زنده باد آزادی و زنده باد برابری است!

این کنفرانس محلی برای آشنایی با دیگر جوانان چپ، کمونیست و آزادیخواه، محلی برای اتحاد و مبارزه متشکل برای سرنگونی رژیم اسلامی است!

این کنفرانس همه دانشجویان آزادیخواه و کمونیست در ایران است!

شرکت عموم در این کنفرانس آزاد است!

در این کنفرانس شرکت کنید!

امکان شرکت شما از طریق اینترنت در این کنفرانس موجود است!

زمان: جمعه ۱۴ مرداد ۱۳۸۴ - ۵ اوت ۲۰۰۵

محل: گوتنبرگ - سوئد

برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفنهای زیر تماس بگیرید:

امید خدابخشی: omidirnadk@yahoo.com, 0045 515 296 20

نسیم رهنما: nasimrahnamadk@yahoo.com, 0045 228 245 42

رهنما:

جمال کمانگر: jkamangar@yahoo.com, 0044 781 47 656 19

بهرام مدرسی:

bahramsjk@yahoo.com, 0049 174 944 02 01

فواد عبداللہی:

foadsjk@yahoo.com, 0044 789 080 91 42

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!